یادداشت

## مسئله این است: ممیزی سلیقه‌ای

ایلیا محمدی‌نیا

● آنچه در زیر می‌آید نه نقد ساسی‌مانکن است و نه نقد حضور ستاره پورن آمریکایی در ویدئوکلیپ پرحاشیه این روزها که محل مناقشه شده، بلکه نقد رفتاری است که پس از این همه سال نتوانستیم در آن به تعریف مشخصی برسیم یعنی ممیزی.

با موسیقی پاپ که داشت حیات طبیعی خودش را سپری می‌کرد با بسیار هنرمندان ارزشمند این حوزه، با فراوان آثار ماندگارش چه کردیم که حال این‌گونه مستوجب عقوبتی سخت شدیم. با ممیزی‌های سخت‌گیرانه و اعمال سلایق شخصی و جناحی در عرصه فرهنگ و خاصه موسیقی چه کردیم که حال باید نگران هرزه‌مند بی‌مایه‌ای باشیم که این‌گونه با ویدئوکلیپی ناچیز آسایش‌مان به خوابی آشفته تعبیر شود. حرجی بر امثال ساسی‌مانکن نیست که برای پول و دیده‌شدن، روح خود را به شیطان می‌فروشند که برای اینان پول نهایت هر چیزی و قبله آمال است. هر هدف هرزی که وسیله را برایشان توجیه کند، آن‌گاه همه چیز آزاد می‌شود. آن‌گاه برای هر چیز بی‌مقدار، خانواده، فرهنگ، وطن و... را به ثمن بخس تاخت می‌زنند و حتما در آنجا (بلاد کفر) و در اینجا (بلاد شکر) بسیار شبه‌روشنفکران ادا، کالای بی‌مقدار و رنگ‌به‌رنگش را ستایش خواهند کرد که این بسیار هولناک و ویرانگرانه‌تر از اصل نابهنجاری روی‌داده است. به قول فروغ عزیز:

در کوچه باد می‌آید و این/ ابتدای ویرانی‌ست.

ساده‌لوحانه خواهد بود که گمان کنیم آنچه اتفاق افتاده، صرفا بازیگوشی‌های جوانی است برای دیده‌شدن. که البته این هست و صدالبته همه علت آن نیست. وقتی در فضایی هیجانی با اعمال ممیزی‌های سلیقه‌ای و حذف تمام‌قد موسیقی پاپ، خوراک فرهنگی جایگزینی نداشتیم که در ادامه حیات طبیعی موسیقی جوان‌پسند ارائه کنیم، طبیعی بود که بخشی از جوانان فعال و تشنه شهرت موسیقی زیرزمینی برای دیده‌شدن، آثار سخیف و بی‌مایه با رنگ و بوی گاه اعتراضی را رایگان به گوش‌های تشنه رساندند و ما چشم بستیم و گوش به ییلاق بردیم که ندیده و نشنیده باشیم. غافل از اینکه گوش که فاسد شد، دیگر شنیدن اراجیف وهمی و صداهای نابهنجار نوشدارویی می‌شود برای تسکین روح خسته از روزگار که دمی بخندیم و سرخوش باشیم. گوش که فاسد شد، دیگر سخت می‌شود درمانش کرد؛ خاصه آنکه این بیماری خاموش و فراگیر (گوش فاسدشده) بی‌هیچ نشانه و ردپایی قربانی می‌گیرد، بی‌آنکه جسدی روی دست ببینیم. ما چه کاشتیم که حال انتظار داریم میوه‌ای ارزشمند برداشت کنیم. با تتلو فارغ از اینکه صدا و سبک کارش را دوست داشته باشیم یا نه، در همه آن سال‌هایی که ایران بود و به دنبال اخذ مجوز چگونه برخورد کردیم که حال مجبور نباشیم با هر کار جدیدش گوش بچه‌های خود را بگیریم که نشنوند که چهار رکن اقلیم جغرافیای فرهنگی‌مان نلرزد. وقتی تر و خشک را با هم سوزاندیم و موسیقی را آن‌ور آبی و این‌ور آبی تقسیم کردیم، حواس‌مان کجا بود که موریانه ابتذال چگونه در همین جا زیر پوست همین شهر گوش‌ها را فاسد می‌کند. ساسی‌مانکن و تتلو و بسیاری دیگر از دل موسیقی لس‌آنجلسی برآمدند یا از دل همین زیرزمین‌هایی که چشم و گوش بر آن بستیم که نشنیده و ندیده باشیم؟

کاش همان زمان که تتلو بغبغو کرد و میلیون‌ها لایک و کامنت گرفت کمی باهوش بودیم و هوشمندانه رفتار می‌کردیم تا امروز نگران هنجارشکنی‌هایش نباشیم. وگرنه آن دیگری که مدعی پیش‌کسوتی در هنر و وامداری از تمدن چندهزارساله بود و در لایو اینستاگرامی به هنگام بازخوانی جاودانه‌اش!!! آفتابه به دست به خلا شد، نشان داد که حتما ممیزی غیرسلیقه‌ای فارغ از سن‌وسال و پیش‌کسوتی لازم است. حال باید منتظر بود و دید که در روزهای آینده چگونه روشنفکران ادا که درباره هر آنچه از آن سوی آب‌ها می‌آید پیرامون این پدیده نوظهور تحلیل‌های ناب شبه‌روشنفکری‌شان را بازنشر و نشخوار می‌کنند و از سویی دیگر بخشی از تحلیلگران آب‌دوغ‌خیاری مدعی آسیب‌شناسی جریان‌های ضدفرهنگی فریاد واا‌سفا سر دهند و در تحلیل‌هایشان دست درآمده استکبار از آستین ساسی را دیده و رونمایی کنند و البته ناتوان از دیدن و تحلیل چگونگی هجوم موریانه‌های شبه‌فرهنگ‌نمایی باشند که فرهنگ ما را به یغما می‌برند.

همچنان که پیش‌تر آوردم حرجی به کسانی نیست که نان خود از جهالت ما می‌برند، مشکل اما معطوف به اصطلاح دلسوزانی است که ناآگاهانه و نابخردانه از جهل مرکبی که دچار هستند، بی‌خبرند یاد حرف‌های یوسفعلی میرشکاک افتادم که در مصاحبه‌ای گفت: «در جهانی که آدم می‌تواند الکسیس تگزاس را توی گوشی‌اش ۲۴ ساعت داشته باشد، خسرو و شیرین نظامی را ممیزی می‌کنید؟».

نگاهی به بازیگری «فرامرز صدیقی» به مناسبت زادروزش

# بازیگر مستعدی که این روزها در تنهایی روزگار می‌گذراند

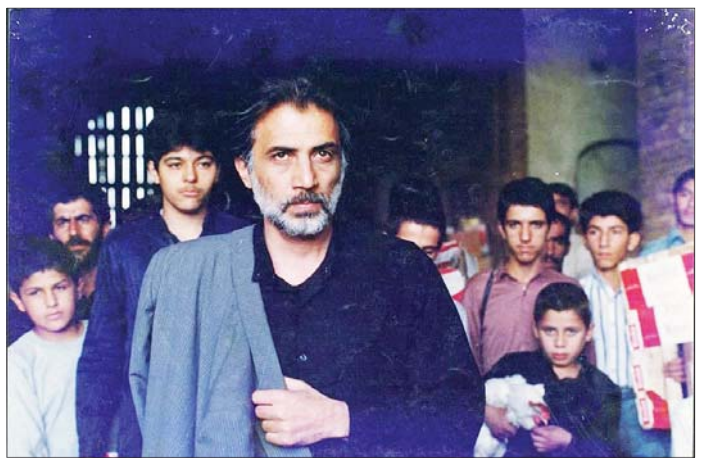

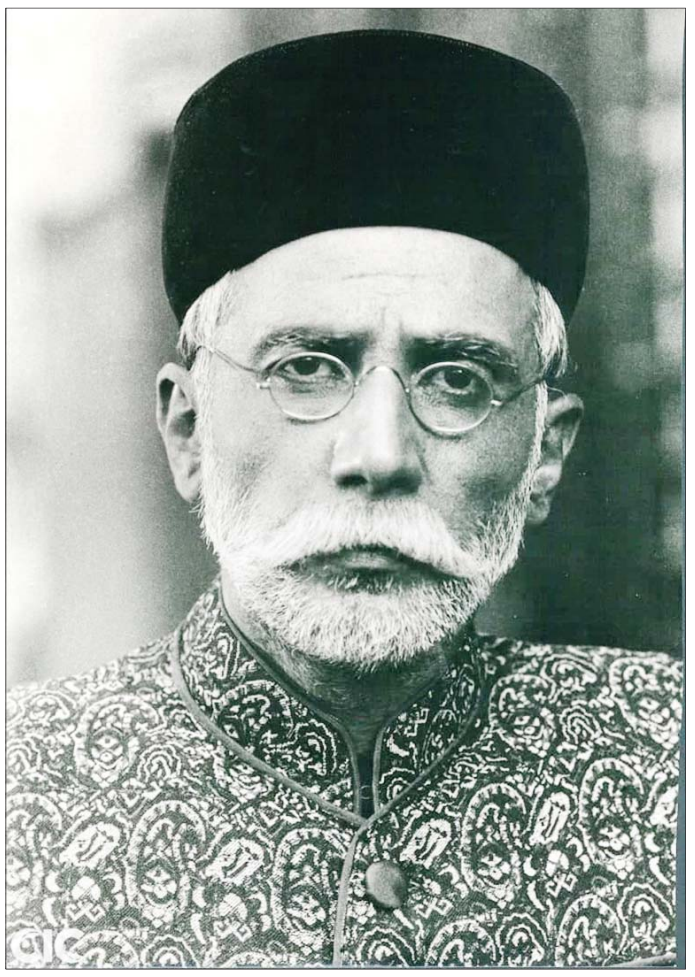

**امید جوانبخت:** «فرامرز صدیقی» را می‌توان کشف «مسعود کیمیایی» دانست. او تحصیل‌کرده تئاتر دانشگاه تهران است و در کنار چند تجربه تئاتری در دهه ۵۰، فعالیت سینمایی خود را با نقشی کوتاه در ساخته متفاوت «آربی آوانسیان»، «چشمه- ۱۳۵۱» شروع کرد و در ادامه نیز سعی کرد به‌تدریج و در همکاری با فیلم‌سازانی متفاوت راه خود را در عالم بازیگری پی بگیرد. «ذکریا هاشمی» و «خسرو هریتاش» هرچند فیلم‌سازانی متفاوت و تحصیل‌کرده بودند، اما از بدشانسی صدیقی، «زن باکره- ۱۳۵۲» و «برهنه تا ظهر با سرعت- ۱۳۵۳» فیلم‌هایی تجاری شدند که با سینمای متفاوت دهه ۵۰ و نیز ساخته‌های قبلی این فیلم‌سازان سنخیتی نداشتند و اولین نقش اصلی او در فیلم دوم با اکران محدود و سپس توقف نمایش آن و نیز حضورش در دو فیلم تجاری و به نمایش درنیامده «امشب اشکی می‌ریزد/ منوچهر مصیری- ۱۳۵۷» و «گفت هرسه نفرشان/ غلامعلی عرفان-۱۳۵۹»، در تندباد تحولات سال‌هایی میانی و پایانی دهه ۵۰ که منجر به انقلاب شد، هیچ‌یک به چشم نیامدند.

با تثبیت شرایط فیلم‌سازی برای فیلم‌سازان قدیمی در میانه دهه ۶۰، «مسعود کیمیایی» یکی از سکانداران سینمای متفاوت ایران که تیم بازیگری آثار قبلی‌اش متفرق شده بودند، برای «تیغ و ابریشم- ۱۳۶۵» دومین ساخته پس از انقلابش به یاد «صدیقی» افتاد و از دل چند فیلم تجاری او به توانایی‌هایش پی برد و نقش بازپرس زندان را به او سپرد. برای او این فیلم شروعی مجدد با فیلمی خوب در شرایط جدید بود که می‌توانست زمینه‌ساز فعالیت‌های بعدی‌اش باشد. هرچند «تیغ و ابریشم» نیز دچار تیغ ممیزی شد اما ابریشم‌هایش ماند و به چشم آمد که یکی از آنها «صدیقی» بود. بازپرسی که پس از به‌قتل‌رسیدن بازپرس اول راهی زندان می‌شود و در یکی از اولین سکانس‌هایش پی به خلوت و تنهای‌اش می‌بریم و با سکوت و نگاهش تبدیل به قهرمان «کیمیایی» می‌شود. مواجهه بعدی‌اش با زن و شوهری زندانی به جرم مواد مخدر (فرجامی و صالح‌اعلا) و دیالوگ‌های پرمعنا و خوب نوشته‌شده کیمیایی و صدای ماندگار «منوچهر اسماعیلی»، شمایل این بازپرس و بازی «صدیقی» را تکمیل می‌کند.

هرچند «کیمیایی» برای فیلم بعدی‌اش«سرب» به دلایلی برای تجسم قهرمانش از زنده‌یاد «هادی اسلامی» بهره می‌گیرد اما رضایتش از بازی«صدیقی» یکی از ماندگارترین رضاهای فیلم‌هایش را در «دندان مار» قسمت او می‌کند. نقش رضا نویسنده‌ای که فراق مادر را تاب نمی‌آورد و در مسافرخانه‌ای ساکن می‌شود، چنان به قامت «صدیقی» می‌نشیند که به «شاه‌نقش» آثارش تبدیل می‌شود. «کیمیایی» در یکی از بهترین فیلم‌هایش لحظاتی را خلق می‌کند که شخصیت خسته، منزوی و البته کنشگر رضا تمام ظرفیت‌های بازیگری «صدیقی» را بازمی‌تاباند. سکانس‌های اولین آشنایی او با احمد (احمد نجفی) در اتاق مسافرخانه، برخوردش با خواهر (گلچهره سجادیه) کنار جاده، پناه‌بردنش به دوست قدیمی‌اش آقاجلال (جلال مقدم) و متعاقب آن ضجه‌زدن‌هایش بر جنازه او فراتر از یک نقش‌آفرینی صرف در تاریخ سینمای ایران، همواره زنده و خاطره‌انگیزند. در همان سال‌های نیمه دوم دهه ۶۰ صدیقی در چند فیلم دیگر نظیر «سایه‌های غم/ شاپور قریب- ۱۳۶۶» ،«روزنه/ جمال شورجه- ۱۳۶۷»، «زمان ازدست‌رفته/ پوران درخشنده- ۱۳۶۸» و «آخرین پرواز/ احمدرضا درویش- ۱۳۶۸» نیز حضور می‌یابد که به غیر از اولین فیلم «درویش» مابقی در غبار زمان گم شدند. اما شاهین اقبال در ابتدای دهه ۷۰ دوباره بر دوش «صدیقی» نشست و با منتفی‌شدن حضور «جمشید مشایخی» او استاد دلنواز «دلشدگان» حاتمی شد. پروژه بلندپروازانه زنده‌یاد «حاتمی» درباره موسیقی ایرانی هرچند به دلایل مختلفی نشد آنچه باید می‌شد، اما استاد دلنواز، نوازنده و سرپرست گروه اعزامی جهت ضبط صفحه به پاریس با آن گریم و لباس‌های خاص قاجاری و دیالوگ‌های گوش‌نواز «حاتمی»، نقشی ویژه در کارنامه «صدیقی» شد که اجر آن را البته به‌واسطه حضور در«دادستان/ بزرگمهر رفیعا- ۱۳۷۰» با دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر جشنواره دهم فجر دریافت کرد. سال بعد «صدیقی» تنها فیلم خود را با عنوان «طعمه- ۱۳۷۱» نوشته و کارگردانی کرد که هرچند فیلمی حادثه‌ای-پلیسی با حضور توأم دو ستاره این نوع فیلم‌ها یعنی «فرامرز قریبیان» و «جمشید هاشم‌پور» به حساب می‌آمد، اما با فیلم‌نامه‌ای خوب و پرداختن به تم رفاقت مأمور پلیس با معلم سابقش (هادی اسلامی) که در دام اعتیاد گرفتار آمده (و البته رگه‌های تأثیرپذیری از سینمای «کیمیایی» در آن مشهود است)، موفق می‌شود فیلم خوش‌ساختی ارائه کند. متأسفانه پس از آن فعالیت‌های سینمایی او کمتر شد و درخشش چندانی نداشت و از میان آنها فیلم‌های «اسکادران عشق/ سعید حاجی‌میری- ۱۳۷۵» و«مارال/ مهدی صباغ‌زاده- ۱۳۷۹» کمی قابل اعتنا‌ترند. البته در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ «صدیقی» حدود ۱۵ سریال بازی می‌کند که در میان آنها فقط سریال «پاییز بلند/ منوچهر عسگری‌نسب- ۱۳۷۲» و تا حدودی «دایره تردید/ امیر قویدل- ۱۳۸۳» به یاد مانده‌اند. «صدیقی» که بیش از یک دهه است از بازیگری کناره گرفته، متأسفانه در آستانه ۷۰سالگی در انزوا و تنهایی روزگار می‌گذراند. بخشی از این افول به دلایلی ناگزیر مانند عوض‌شدن فضای فیلم‌ها و نبود نقش مناسب و نیز بالارفتن سن‌وسال مربوط است و بخش دیگری از آن شاید این باشد که بازیگر باید از خود مراقبت کند، هم در کیفیت نقش‌ها و فیلم‌هایی که بازی می‌کند و هم از ابزارهایی مانند بدن، صدا، آمادگی جسمی و ذهنی و... که برای این کار لازم دارد. فرامرز صدیقی، بازیگری است که به اعتبار کارهای درخشان کارنامه‌اش در حافظه سینمای ایران خواهد ماند.

به پیشنهاد حجت امانی

# خط «تعلیق» برای همه ایرانیان به ثبت ملی رسید

حالا باید «تعلیق» را خطی برای همه ایرانیان نامید. به پیشنهاد حجت امانی، هنرمند نقاش و خوشنویس، «خط تعلیق» به‌عنوان میراث ناملموس برای همه ایرانیان در وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به ثبت ملی رسید. «حجت امانی»، هنرمند نقاش و خوشنویس، نمایشگاه‌های متعددی در جهت احیا و معرفی خط «تعلیق» در چندین کشور مختلف از جمله پاکستان، آلمان، لیتوانی، هند و انگلیس برگزار کرده است. این احیاگر خط «تعلیق» سال گذشته پرونده ثبت این خط را به‌عنوان میراث ناملموس ایرانی برای همه ایرانیان به وزارت میراث، گردشگری و صنایع دستی تحویل داد و پس از پیگیری‌های فراوان در ۱۲ اسفند ۹۹ در این وزارتخانه در فهرست آثار ملی قرار گرفت و به ثبت رسید.

متن ثبت خط «تعلیق» به‌عنوان میراث ناملموس برای همه ایرانیان به شرح زیر است: «خط تعلیق به‌عنوان اولین خط ایرانی به پیشنهاد احیاگر تعلیق حجت امانی، هنرمند خوشنویس و نقاش، برای همه ایرانیان به ثبت ملی رسید. در جلسه ۱۳۹۹/۱۲/۱۲ که در سالن همایش‌های وزارت میراث گردشگری و صنایع دستی برگزار شد، خط تعلیق به‌عنوان میراث ناملموس به ثبت رسید».

«حجت امانی»، هنرمند نقاش و خوشنویس، به‌عنوان احیاگر خط تعلیق درباره ویژگی‌های این خط گفت: «خط تعلیق به‌عنوان اولین خط ایرانی که بدون شک نماد خلاقیت بصری ایرانیان در زمینه خوش‌نویسی است، از ترکیب خطوط توقیع و رقاع ابداع و قاعده‌مند شده است. این خط به‌دلیل پیوستگی و پیچیدگی و دشوارخوانی در تحریر دستورات حاکمان در میان منشیان و دیوان‌ها رایج بوده است. خط تعلیق با توجه به اینکه خطی با ظرافت و پیچش‌های متنوع است، قابلیت‌های ترکیب‌بندی گوناگونی دارد که از سمت راست به سمت بالا میل می‌کند».

این استاد دانشگاه درباره دلایل احیای خط تعلیق به‌عنوان خط ایرانی توضیح داد: « تمرکز بر خطوط شناخته‌شده نستعلیق، شکسته‌نستعلیق و ثلث و نسخ به‌عنوان موارد آزمون انجمن خوشنویسان ایران سایر خطوط را از جمله خط تعلیق به حاشیه می‌راند. تا اینکه در سال‌های دهه ۱۳۸۰ این‌جانب با تمرکز بر خط تعلیق به احیای آن پرداخته و پیشنهاد برگزاری بزرگداشت خوشنویس برجسته تعلیق «خواجه اختیار منشی‌گنابادی» را به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح کرده که با پیگیری‌های مجدد در سال ۱۳۹۶ محقق شد. از سال ۱۳۸۵ تاکنون چندین نمایشگاه تعلیق به‌صورت رسمی در کشور و خارج از کشور از جمله پاکستان، لیتوانی و آلمان برگزار کرده و در دانشگاه جامع علوم بصری کراچی به تعلیم آن پرداخته‌ام؛ همچنین در کنار برگزاری همایش خواجه اختیار منشی‌گنابادی و برگزاری کارگاه خط تعلیق در گناباد برای اولین‌بار در کشور برای ترویج این خط قدم برداشته‌ام. پس از برگزاری همایش خواجه اختیار منشی‌گنابادی و بازتاب گسترده آن، تعدادی از هنرمندان خوشنویس بیشتر با پیشینه خط شکسته‌نستعلیق به سمت این خط متمایل شده و به تبادل اطلاعات و تجارب می‌پردازند».

خط تعلیق از خطوط خاص ایرانیان است. درباره ریشه این خط اختلاف‌نظرهای گوناگونی وجود دارد. «قاضی احمد قمی» در کتاب «گلستان هنر» این خط را مشتق از دو خط رقاع و توقیع معرفی کرده است. به گفته میرعلی هروی، «تعلیق بر آن گویند که تعلق به نسخ دارد». مولانا عبدالرحمان جامی ضمن تأکید بر ایرانی‌بودن این خط، آن را مشتق از خط توقیع می‌داند. گرچه الفبای آن همان الفبای مأخوذ عربی است، ولی شکل و ترکیب آن با سایر خطوط اسلامی متفاوت است. زاویه‌های خطوط عربی در آن نرم شده است و گردش و ترکیب حروف آن شباهت نزدیک به خط‌های باستانی ایران یافته و تأثیر آشکار خطوط پیش از اسلام یعنی خط‌های پهلوی و اوستایی در آن ملاحظه می‌شود. این خط روی آثار مکتوب زبان فارسی دری مانند نامه‌ها و فرمان‌ها و ظرف‌های فلزی و سفالین حفظ شده و در توصیف آن می‌توان چنین گفت که گویا این خط به‌منظور تندنویسی در کتابت نامه‌ها و رساله‌ها ابداع شده و خطی است تودرتو و پیچیده که کلمات را در آن متصل و پیوسته می‌نویسند. به همین سبب خواندن آن نیز مشکل‌تر از نسخ است اما زیبایی بیشتری دارد. پیدایش خط تعلیق به آغاز قرن هفتم هجری بازمی‌گردد. این خط در قرن هشتم هجری بسیار متداول شد و تا قرن دهم هجری همچنان رواج داشت اما با رونق‌یافتن خطوط نستعلیق و شکسته‌نستعلیق از رواج آن کاسته شد. با وجود این تا قرن ۱۳ هجری به حیات خود ادامه داد. واضع این خط را خواجه تاج‌الدین اصفهانی و تکمیل‌کننده‌اش را خواجه اختیارالدین حسن‌بن‌علی منشی‌گنابادی می‌دانند. عبدالحق استرآبادی نیز در عصر شاه اسماعیل قواعد این خط را کامل کرد. تعلیق پس از مدتی به‌صورت شکسته درآمد. شکسته‌تعلیق به‌خاطر زیبایی ظاهری که در شکل حروف و کلمات و سطرهای آن پدید آمد، موضوع هنرنمایی خوشنویسان شد و به خط تزیینی بدل شد و کاربرد کتابت خود را از دست داد. از خوشنویسان مشهور در این خط باید از خواجه ابوالمعال، خواجه تاج سلمانی‌اصفهانی، عبدالحق استرآبادی، درویش عبدالله سلطانی، شهاب‌الدین عبدالله، مروارید کرمانی، خواجه اختیار منشی‌گنابادی و محمد کاظم واله‌اصفهانی نام برد که قطعه‌های چندی از آنها در مرقع‌ها حفظ شده است. حجت امانی، احیاگر خط تعلیق، متولد لرستان و دارای دکتری تخصصی تاریخ هنر اسلامی (خاورمیانه) است. او فارغ‌التحصیل انجمن خوشنویسان ایران بوده و مراحل فوق‌ممتاز را نزد استاد معین‌الکتاب اصفهانی و ابوالوفا حسینی گذرانده است. آثار امانی تاکنون در بیش از ۳۸ نمایشگاه گروهی و انفرادی در داخل و خارج کشور به نمایش درآمده و چندین نمایشگاه خوشنویسی و ورک‌شاپ خوشنویسی در ترکیه، لندن، لیتوانی و آلمان داشته است. این هنرمند این اقبال را داشت که منتقدان زیادی، از جمله ادوارد لوسی اسمیت به بازدید از نمایشگاهش بیایند و بر آثارش نقد بنویسند. آثار او که در مرز نقاشی، عکاسی، تصویرسازی و چیدمان ایستاده‌اند، گاه با هنر محیطی هم‌پوشانی دارند، گاه با پرفورمنس. روش هنری او را هم «پروسس‌آرت» و «پسانئوپاپ» نام‌گذاری کرده‌اند.

زیر درختان زیتون

## گشایش نمایشگاه بخش ویژه «چهل سال، تهران» تصویر سال

● مراسم گشایش نمایشگاه بخش ویژه «چهل سال، تهران» و معرفی برگزیدگان این بخش عصر ۱۴ اسفند در خانه تهران (خانه اتحادیه) با حضور نامزدهای هر بخش و یاسر جعفری، معاون فنی و طرح‌های شهری سازمان زیباسازی شهرداری تهران و محمد حکمت، مدیر خانه تهران، با حضور محدود میهمانان، در سینما تک این مجموعه فرهنگی برگزار شد.

به گزارش دبیرخانه تصویر سال، سیف‌اله صمدیان، دبیر جشن تصویر سال و جشنواره فیلم تصویر، در ابتدای این مراسم پس از گشایش و بازدید حاضران از نمایشگاه، گزارشی کوتاه از روند برگزاری این بخش ارائه و با اشاره به شیوع پاندمی کرونا از اسفند ۱۳۹۸ به دلایل تعویق ناگزیر یک‌ساله در برگزاری نمایشگاه اشاره کرد.

در ادامه برگزیدگان بخش‌های عکس، پوستر و کاریکاتور، به شرح زیر معرفی شدند و به هر یک از ۱۰ برگزیده بخش عکس، پنج برگزیده بخش پوستر و پنج منتخب بخش کاریکاتور، علاوه بر تندیس ویژه ودیپلم افتخار، مبلغ ۲۰ میلیون ریال جایزه اهدا شد.

- برندگان بخش عکس: حسین اسماعیلی، خدایار آهی، وحید احمدی، مهدی بلوریان، امیرعلی جوادیان، محمد رزازان، سعید صادقی، طاهره فلاحت‌پیشه، رضا لشکری و محمدحسین مهیمنی.

- بخش گرافیک (پوستر): اعظم امینی سردشت، خسرو اشتری، امید اولادی قادی‌کلایی، علیرضا خالق‌وردی و مرتضی فرحناک و مهرداد موسوی.

- برندگان بخش کاریکاتور: نعیم تدین، محمدرضا ثقفی، احسان گنجی، مهدی عزیزی و مهناز یزدانی.

نمایشگاه «چهل سال، تهران» فعلا تا پایان سال ۱۳۹۹ در خانه تهران (اتحادیه) در خیابان لاله‌زار، کوچه اتحادیه برپاست و ادامه نمایشگاه در بهار سال ۱۴۰۰ بستگی به شرایط کرونایی در کشور دارد.

## خرس طلای برلین به رومانی رسید

● هیئت داوران بخش رقابتی اصلی جشنواره فیلم برلین به صورت مجازی برندگان هفتادویکمین دوره این جشنواره سینمایی را معرفی کردند. به گزارش «شرق»، جیانفرانکو رُزی، محمد رسول‌اُف، یاسمیلا ژبانیچ، ایلدیکو انیدی، آدینا پینتیل و نداف لاپید به عنوان داوران بخش مسابقه اصلی هفتادویکمین جشنواره فیلم برلین به صورت ویدئویی برندگان برلیناله ۲۰۲۱ را معرفی کردند و در نهایت فیلم «Bad Luck Banging or Loony Porn» ساخته «رادو ژوده» از رومانی، برنده خرس طلای بهترین فیلم این رویداد سینمایی شد. همچنین خرس نقره‌ای جایزه بزرگ هیئت داوران به فیلم «چرخ شانس و فانتری» به کارگردانی «ریوسوکه هاماگوچی» از ژاپن رسید و «آقای باخمن و کلاسش» از «ماریا اسپث» (آلمان) نیز خرس نقره‌ای جایزه هیئت داوران را به خود اختصاص داد. جایزه بهترین کارگرانی جشنواره برلین ۲۰۲۱ هم به «دِنش ناگی» سینماگر مجارستانی برای ساخت نخستین فیلم بلندش «نور طبیعی» رسید. «مارن اگرت» برای بازی در فیلم آلمانی «من مرد تو هستم» به کارگردانی «ماریا شرادر»، جایزه خرس نقره‌ای بهترین بازیگر نقش اصلی را به خود اختصاص داد و «لیلیا کیزلینگر» از مجارستان نیز برای فیلم «جنگل- همه جا تو را می‌بینم» به عنوان برنده خرس نقره‌ای بهترین بازیگر نقش مکمل جشنواره انتخاب شد. هیئت داوران بخش رقابتی برلین، «معرفی» ساخته «هانگ سانگ سو» از کره‌جنوبی را برنده بهترین فیلم‌نامه انتخاب کردند و خرس نقره‌ای دستاورد هنری این دوره از جشنواره برلین نیز به «آلونسو رویزپالاسیوس» از مکزیک برای فیلم «یک فیلم پلیسی» اعطا شد. امسال فیلم «قصیده گاو سفید» به کارگردانی بهتاش صناعی‌ها به نمایندگی از سینمای ایران در بخش رقابتی اصلی جشنواره برلین حضور داشت. مراسم اعطای جوایز برندگان هفتادویکمین جشنواره فیلم برلین با حضور تماشاگران در پایان مرحله دوم جشنواره برگزار می‌شود که از ۹ تا ۲۰ ژوئن (۹ تا ۱۹ خرداد) با نمایش عمومی آثار برپا می‌شود.

امسال جشنواره فیلم برلین به سبب محدودیت‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا در دو مرحله برنامه‌ریزی شده است و مرحله نخست آن از اول تا پنجم مارس (۱۱ تا ۱۵ اسفند) و به صورت مجازی میزبان رویدادهای مرتبط با صنعت سینما از جمله بازار فیلم اروپا (EFM) بود.